هوالعليم

توسعه مسجد الحرام در زمان حضرت صادق و حضرت كاظم عليهما السلام

برگرفته از آثار:
حضرت علاّمه آيت‌الله حاج سيّد محمدحسين حسيني تهراني
و
حضرت آيت‌الله الحاج سيّد محمدمحسن حسيني تهراني
قدّس الله سرّهما

در تفسیر المیزان ج ۳ ص ۳۹۳ گوید: و فی تفسیر العیاشی عن عبد الصمد، قال: طلب أبو جعفر أن یشتری من أهل مکه بیوتهم أن یزید فی المسجد؛ فأبوا فأرغبهم فامتنعوا؛ فضاق بذلك.

فأتی أبا عبداللَه علیه السلام؛ فقال له: إنّ سألت هؤلآء شیئاً من منازلهم و أفنیتهم لنزید فی المسجد؛ و قد منعوا فی ذلك؛ فقد غمّنی غمًّا شدیداً.

فقال أبو عبداللَه علیه السلام: **لم یغمّك ذلك: و حجّتك علیهم فیه ظاهرة!** فقال: و بما احتجّ علیهم؟ فقال **بکتاب اللَه.** فقال: فی أی موضع؟!

فقال: **قول اللَه:** ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ﴾ **و قد اخبرك اللَه: إنَّ أوَّل بیت وضع للناس هو الذی ببکة؛ فان کانوا هم تولَّوا قبل البیت فلهم أفنیتهم؛ و إن کان البیت قدیماً فیهم فله فنائه.**

فدعاهم أبوجعفر فاحتجّ علیهم بهذا. فقالوا له: اصنع ما أحببتَ.

و فیه (ای فی تفسیر العیاشی) عن الحسن بن علی بن نعمان، قال: لمّا بنی المهدی فی المسجد الحرام؛ بقیت دار فی تربیع المسجد؛ فطلبها من أربابها فامتنعوا. فسأل عن ذلك الفقهاء؛ فکلٌّ قال له: إنَّه لا ینبغی ان تدخل شیئاً فی المسجد الحرام غصباً.

فقال له علی بن یقطین: یا أمیرالمؤمنین؛ إنّ اکتب الی موسی بن جعفر علیهما السلام لِأُخبرك بوجه الأمر فی ذلك؛ فکتب الی والی المدینة أن یسأل موسی بن جعفر علیهما السلام عن دارٍ أردنا أن ندخلها فی المسجد الحرام؛ فامتنع علیها صاحبها؛ فکیف المخرج من ذلك؟!

فقال ذلك لأبی الحسن علیه السلام: فقال أبو الحسن علیه السلام، فلابدّ من الجواب فی هذا؟!

فقال له: الأمر لابدّ منه. فقال له: **اکتب: بسم اللَه الرحمن الرحیم ان کانت الکعبة هی النازلة بالناس، فالناس اولی بفنائها؛ و ان کان الناس هم النازلون بفنآء الکعبة، فالکعبة أولی بفنائها.**

فلمّا أُتی الکتاب إلی المهدی، أخذ الکتاب فقبّله ثمّ أمر بهدم الدّار. فأتی أهل الدّار أبا الحسن علیه السلام فسألوه ان یکتب الی المهدی کتاباً فی ثمن دارهم. فکتب الیه أن أوضح لهم شیئاً فأرضاهم.

أقول: و الروایتان مشتملتان علی استدلال لطیف. و کأنّ أبا جعفر المنصور کان هو البادئ بتوسعة المسجد الحرام. ثمّ تمَّ الأمر للمهدی. (انتهی ما فی المیزان)

درباره تاریخ الکعبی و شکلها و کسْوتها و منزلتها و ولایتها مطالب موجز و مفیدی در تفسیر المیزان ج ۳ از ص ۳۹٤ تا ص ٤۰۰ وارد است.

ترجمه:

در تفسیر المیزان از تفسیر عیاشی از عبدالصمد نقل می کند:

منصور دوانیقی خلیفه عباسی خواست تا مسجد الحرام را گسترش دهد، بدین جهت افرادی را فرستاد تا خانه های مجاور بیت الله را از صاحبانش خریداری کنند. مالکین منازل از فروش خانه های خود امتناع ورزیدند. منصور برای خرید بر مبلغ اضافه نمود تا بلکه آنان راضی شوند، باز صاحبان خانه از فروش خانه های خود سر باز زدند منصور دوانیقی دلتنگ شد و در کار مسجد الحرام متحیر ماند.

خلیفه عباسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من از صاحبان این منازل درخواست کردم که قدری از منازل و درگاه آن را بفروشند تا به مساحت مسجد الحرام اضافه کنم ولیکن آنان امتناع ورزیدند و بدین جهت غم و اندوه مرا گرفته است و در کار خود حیران شده ام.

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای چه مغموم و اندوهناکی! در حالیکه دلیل و حجت تو بر علیه آنها بسیار روشن و واضح است. منصور عرض کرد: به چه دلیلی با آنان استدلال نمایم؟ حضرت فرمودند: با کتاب الهی قرآن کریم. عرض کرد: در کدام آیه این مطلب وجود دارد؟

حضرت فرمودند: در آیه شریفهٔ: بدرستی که اولین خانه ای که برای مردم بنا شده است آن خانه ای است که در مکه است پس در این صورت خداوند به تو خبر داده است که اولین خانه ای که برای مردم ساخته شده کعبه می باشد، پس اگر این افراد قبل از بنا کعبه در اینجا خانه و مسکن داشته آنها اولی هستند به بقاء و سکنی در این محل و اگر خانه خدا قبل از بنا خانه های آنها بوده است پس حریم کعبه مقدّم است بر حریم خانه های آنها.

منصور خلیفه عباسی صاحبان خانه ها را فراخواندند و این استدلال را برای آنها بیان کرد آنها نیز گفتند: حال که چنین است هر کاری که مایل هستی بجای آور.

و نیز در تفسیر عیاشی از حسن بن علی بن نعمان نقل می کند:

زمانی که مهدی خلیفه عباسی مسجد الحرام را توسعه می داد در گوشه مسجد الحرام خانه ای بود که صاحبش به فروش آن رضایت نمی داد، خلیفه عباسی این مسأله را با فقهاء حاکم در میان گذاشت همگی به اتفاق فتوی دادند، جایز نیست هیچ چیزی را به طور غصب داخل مسجد الحرام کنی. پس علی بن یقطین به او گفت: من این مسأله را در نامه ای به موسی بن جعفر علیه السلام می نویسم پس به حاکم مدینه نوشت: ما می خواهیم خانه ای را داخل مسجد الحرام کنیم ولیکن صاحب آن رضایت نمی دهد. چگونه می توانیم این مشکل را حل کنیم؟

حاکم مدینه این مطلب را با موسی بن جعفر علیه السلام در میان گذاشت.

موسی بن جعفر فرمود: آیا پاسخ این سؤال الزامی است؟

حاکم عرض کرد: بلی الزامی است.

حضرت فرمودند: بنویس: بسم الله الرحمن الرحیم. اگر کعبه، پس از بناء خانه های اطراف بسوی مردم آورده شده است پس مردم سزاوارترند به حریم خانه های خود. و اگر مردم پس از بناء کعبه به حریم آن پناه آورده اند پس کعبه سزاوارتر است به حریم خود. وقتی که این پاسخ به دست مهدی خلیفه عباسی رسید آنرا بوسید و سپس دستور داد تا آن خانه را خراب کنند. سپس صاحب خانه خدمت موسی بن جعفر علیه السلام رسید و از آن حضرت تقاضا کرد نامه ای به مهدی خلیفه عباسی بفرستید و دستور دهند که قیمت خانه را به آنان بپردازد حضرت نامه ای نوشتند و خلیفه نیز چنین کرد.[1]

داستانی از فرزند علامه طهرانی آیة الله سید محمد محسن حسینی طهرانی:

یکی از علمای معروف طهران که با حضرت والد رضوان الله علیه انتساب سببی داشت و قبل از مرحوم والد به رحمت خدا رفته بود به جهت فوت مادرشان و تدفین او در مشهد از طهران به مشهد

[1] مطلع انوار، ج ۲، ص ۲۳۰

آمده بودند – مرحوم والد و حقیر نیز در این تشییع شرکت کرده و تا حرم مطهر ایشان را تشییع نمودیم. سپس به منزل مراجعت کردیم.

فردای آن روز آن شخص عالم جهت تشکر به منزل مرحوم والد آمدند و حقیر نیز در آن مجلس حضور داشتم. در بین صحبت بحث به تخریب اماکن و بناهای مجاور حرم مطهر پیش آمد و ایشان به شدت از این مسأله انتقاد می کرد. از جمله می گفتند: مدرسه خیراتخان که زمین آن وقف برای مدرسه علوم دینی است و در کنار صحن مطهر قرار داشته است در این تخریب اخیر از بین رفته و جزء ساختمان های حرم مطهر شده است و من (آن شخص عالم) این مطلب را با یکی از مسؤلین طراز اول در میان گذاشتم و ایشان به شدت ناراحت شده بطوری که لرزه بر اندام او افتاد و گفت: چطور ممکن است این زمین وقفی را جزء بناهای حرم مطهر نمایند؟! مرحوم والد قدس سره شروع کردند به صحبت و این روایت توسعهٔ مسجد الحرام را در آنجا ذکر کردند و این مسئله را شاهد بر جواز تخریب این مدرسه و الحاق آن به حرم مطهر قرار دادند و همان ملاکی را که امام علیه السلام برای تخریب خانه های مجاور بیت الله الحرام ذکر کردند برای جواز تخریب خانه ها و اماکن مجاور حرم مطهر در اینجا ذکر کردند و فرمودند: هیچ اشکالی ندارد زیرا حرم مطهر امام رضا علیه السلام متعلق به همه شیعیان در سراسر دنیا است و او بر سایر تعلقات مِلکی حکومت و غلبه دارد.

آن فرد عالم از این کلام مرحوم علامه بسیار تعجب کرد و گفت: اگر قرار باشد برای زیارت امام رضا علیه السلام که یک امر مستحب و ممدوح است نه واجب انسان مجاز باشد که زمین وقفی را که تصرف آن در غیر مورد وقف شرعاً حرام می باشد تصرف کند پس می توان گفت:

برای غسل جمعه که یک امر مستحب است در صورت نبودن آب انسان بیاید و آب از شخص دیگر را از دست او برباید و غصب کند و با او غسل جمعه مستحب بجای آورد در حالیکه بالبداهة العقلیة و الشرعیة این عمل حرام است و نه تنها غسل باطل است و مرتکب گناه شده بلکه موجب ضمان نیز می شود.

مضافاً به اینکه در روایت ملاک اولویت بر تقدم بنای کعبه بر سایر بناها ذکر شده است در حالیکه در مورد حرم مطهر قضیه به عکس است زیرا بدن مطهر امام علیه السلام در وقتی در این مکان بخاک سپرده شده بود که اطراف آن معموره و آبادی بوده است و املاک قبل از دفن بدن مطهر وجود داشته است.

مرحوم والد قدس سره دیگر سکوت کردند و مطلب را ادامه ندادند.

روز بعد که به اتفاق ایشان بسمت حرم مطهر برای زیارت می رفتیم به ایشان عرض کردم: این مطلبی که دیروز بین شما و آن شخص بحث شد مطلب بسیار مهم و دقیق و ظریفی است که کسی از آن خبر ندارد مگر بعضی از اهل باطن و معرفت که به حقیقت ولایت ائمه علیه السلام و ضرورت آن و کیفیت تأثیر گذاری آن در احکام شرعیه رسیده باشند و این مسئله یکی از اسرار عالم تشریع و ملاکات احکام می باشد و آن شخص عالم و غیر او ابداً از این مطالب خبر ندارند.

ایشان فرمودند: بله مسئله همینطور است. اینها خیال می کنند حرم امام رضا علیه السلام با سایر اماکن متبرکه چون مسجد و حسینیه و امثالها یکی است. اینها نمی دانند که زیارت امام رضا علیه السلام اصل و اساس شریعت است و همه احکام و تکالیف به ولایت اینها بر می گردد و حرم امام رضا علیه السلام بعنوان مأمن و ملجأ و پناهگاه و کهف همه شیعیان دنیا مطرح است وهمه باید به اینجا بیایند و بار خود را در اینجا فرود آورند و دین خود را بدینجا عرضه بدارند و از اینجا سیراب شوند و به اوطان خود باز گردند. بنابراین اگر محل زائر امام رضا علیه السلام به نحوی باشد که موجب ضیق و عسر و حرج و زحمت زائر باشد باید ترتیبی داده شود که همه بتوانند با راحتی و انبساط و آرامش به زیارت و کسب فیض موفق گردند. چطور که اگر در موردی زمینی وقفی موجب عسر و حرج برای اهالی گردد بعنوان حکم ثانوی می توان آنرا تبدیل نمود در اینجا نیز مکان زائر امام علیه السلام از آنجا که

باید برای همه علاقمندان و شیعیان و حتی غیر آنها از سایر فرق ملجأ و پناهگاه باشد می توان آن مورد را تبدیل به حسن نمود و سپس ادامه دادند: اینها از شرع و احکام شرع فقط یک ظاهری اندک را یاد گرفته اند و بسیاری از مسائل از دیدگاهشان مخفی می باشد.) [1]

[1] اسرار ملکوت، ج ۲